پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صص ۳۸۳-۴۱۱ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 50, Autumn &Winter 2024/ 2025

نقش مقاصد الشریعه در تفسیر فقهی قرآن

ابراهیم یاقوتی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۰۲ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵)

چکیده

تفسیر فقهی قرآن همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تعامل میان نص قرآنی و زندگی اجتماعی مسلمانان مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، مقاصد الشریعه به‌عنوان مجموعه‌ای از اهداف و حکمت‌های کلی شریعت، نقش اساسی در هدایت روند استنباط و فهم نصوص ایفا می‌کند. با وجود اینکه در روش‌های سنتی تفسیر، توجه عمده به ظاهر الفاظ و قواعد اصولی معطوف بوده، تحولات اجتماعی و پیچیدگی‌های روابط انسانی ضرورت بازنگری در این رویکرد را آشکار ساخته است. رویکرد مقاصدی با تمرکز بر مقاصد ضروریه همچون حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال و همچنین توجه به مصالح حاجیه و تحسینیه، امکان تفسیر پویاتر و متناسب‌تر با شرایط زمان و مکان را فراهم می‌آورد. این مقاله با بررسی مبانی نظری مقاصد الشریعه، سیر تاریخی آن در میان اندیشمندان اهل سنت و شیعه، و تحلیل روش‌شناسی مقاصدی، می‌کوشد ظرفیت‌ها و چالش‌های این رویکرد در تفسیر فقهی قرآن را روشن سازد. همچنین نمونه‌هایی از آیات مرتبط با عبادات، معاملات، احوال شخصیه و مجازات‌ها مورد بررسی قرار گرفته تا نحوه کاربست عملی مقاصد در فهم نصوص قرآنی آشکار گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بهره‌گیری از مقاصد الشریعه نه به معنای کنار گذاشتن نص، بلکه در جهت تکمیل و تعمیق فهم آن است و می‌تواند به تحقق عدالت، رفع تعارضات ظاهری و پاسخگویی به نیازهای معاصر جامعه اسلامی یاری رساند.

کلید واژه‌ها: مقاصد الشریعه، تفسیر فقهی قرآن، استنباط احکام، فقه مقاصدی، عدالت شریعت، مصالح مرسله.

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
e.yaghouti@iauctb.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

۱. بیان مسأله

قرآن‌کریم به‌عنوان نخستین و بنیادی‌ترین منبع شریعت اسلامی، همواره بنیان نظام حقوقی، اخلاقی و اجتماعی مسلمانان را شکل داده است. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های پیوند میان متن وحی و حیات اجتماعی بشر، «تفسیر فقهی» قرآن است؛ عرصه‌ای که می‌کوشد احکام کاربردی و سازگار با نیازهای واقعی جامعه از دل آیات الاحکام استخراج کند. با این حال، پرسش اساسی آن است که این فرایند تا چه اندازه قادر به پاسخ‌گویی به تحولات شتابان تمدن معاصر و پیچیدگی‌های روابط انسانی است؟ روش‌های صرفاً لفظ‌محور در فهم آیات، در بسیاری از موارد با چالش ناکارآمدی مواجه شده‌اند؛ زیرا تحولات زمان و مکان، نیازمند درکی فراتر از ظاهر نصوص است. در چنین شرایطی، «مقاصد الشریعه» به‌عنوان اهداف و حکمت‌های بنیادین شریعت، گزینه‌ای جدی برای پویاسازی تفسیر فقهی قرآن مطرح می‌شود (غزالی، ۱۵). اگرچه اصولی چون حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال، به‌عنوان مقاصد کلی شریعت، ظرفیت ارائه تفسیری متناسب با عدالت اجتماعی و مصالح عمومی را دارند (شاطبی، ۲۷)، اما پرسش‌هایی بنیادین همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند: آیا اتکای مفسر به مقاصد می‌تواند فهمی عمیق‌تر و کارآمدتر از نصوص ارائه دهد، یا خطر فاصله گرفتن از چارچوب‌های معتبر تفسیر را در پی خواهد داشت؟ حدود و ثغور حجیت مقاصد در استنباط احکام چیست؟ و بر چه مبنایی می‌توان از تفسیر سلیقه‌ای و نسبی‌گرایی جلوگیری کرد؟ از سوی دیگر، گرچه منابع سنتی و معاصر، درباره مقاصد الشریعه بحث‌های نظری متعددی مطرح کرده‌اند، اما همچنان نسبت دقیق مقاصد با تفسیر فقهی قرآن، چگونگی بهره‌گیری روشمند از آن‌ها، و آثار عملی‌شان در پاسخ به مسائل نوپدید، به‌طور جامع تبیین نشده است. این ابهام سبب شده است که برخی رویکردهای تفسیری، یا در ظاهرگرایی افراط کنند و از کارآمدی دور بمانند، یا در استناد به مقاصد، به ورطه تفسیرهای ذهنی فروغلتند. بر همین اساس، مسئله محوری مقاله حاضر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

آن است که چگونه می‌توان مقاصد الشریعه را در فرآیند تفسیر فقهی قرآن به‌گونه‌ای به‌کار گرفت که ضمن تعمیق فهم نصوص، از انحراف روش‌شناختی و برداشت‌های شخصی جلوگیری شود؟ پرسش نوآورانه‌ای که پیش‌روی این پژوهش قرار دارد، به این شرح است: مقاصد الشریعه چگونه می‌تواند در تفسیر فقهی قرآن نقش‌آفرینی کند و چه ظرفیت‌ها و چالش‌هایی را به همراه دارد؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند واکاوی هم‌زمان مبانی نظری مقاصد و نیز روش‌شناسی به‌کارگیری آن در فهم آیات، با بهره‌گیری از میراث اندیشمندان برجسته در هر دو حوزه، از جمله غزالی در المستصفی، شاطبی در الموافقات، ابن عاشور در مقاصد الشریعة الاسلامیة، و نیز علامه طباطبائی در المیزان و شهید صدر در المدرسة القرآنیة است. این پژوهش با رویکردی تحلیلی ـ توصیفی و با هدف رفع خلأ میان نظریه مقاصد و کاربست آن در تفسیر فقهی انجام می‌شود و می‌کوشد نشان دهد که بهره‌گیری صحیح از مقاصد، نه عدول از نص، بلکه تکمیل و تعمیق فهم شریعت و افزایش کارآمدی آن در عرصه اجتماع است.

۲. مقدمه

پرداختن به نقش مقاصد الشریعه در تفسیر فقهی قرآن، از آن جهت اهمیت ویژه دارد که هم ابعاد نظری و هم کاربست عملی فقه اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تفسیر فقهی، به‌عنوان پلی میان نصوص قرآن و زندگی اجتماعی مسلمانان، نیازمند رویکردی است که بتواند هم اصالت نص را حفظ کند و هم پاسخگوی مسائل نوپدید و نیازهای متغیر جامعه باشد. در این چارچوب، مقاصد الشریعه به‌عنوان اهداف و حکمت‌های بنیادین شریعت، فرصتی فراهم می‌آورد تا فهمی عمیق‌تر و جامع‌تر از آیات حاصل شود و بتوان میان نص و مصالح عقلایی، عدالت اجتماعی و منافع عمومی تعادل برقرار کرد. ضرورت این تحقیق از اینجا ناشی می‌شود که در بسیاری از موارد، رویکردهای صرفاً لفظی و ظاهرگرایانه به تفسیر، قادر به پاسخگویی به چالش‌های معاصر نیستند و بهره‌گیری دقیق از مقاصد

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

می‌تواند علاوه بر تعمیق فهم، از برداشت‌های سلیقه‌ای و نسبی‌گرایی جلوگیری کند.

اهداف این تحقیق در سه سطح قابل تشریح است. نخست، هدف مبنایی، روشن‌سازی ریشه‌های نظری و تاریخی مقاصد الشریعه و تبیین نسبت آن با قرآن و سنت است تا نشان دهد مقاصد نه مفهومی بیرونی و تحمیلی، بلکه برآمده از روح کلی شریعت و حکمت‌های نهفته در نصوص هستند. دوم، هدف روشی، ارائه چارچوبی برای بهره‌گیری منضبط و نظام‌مند از مقاصد در فرآیند تفسیر فقهی است؛ چارچوبی که ضوابط و معیارهای کشف مقاصد و تلفیق آن با نصوص را مشخص کرده و امکان تفسیرهای ذهنی و خودسرانه را محدود می‌سازد. سوم، هدف کاربردی، بررسی ظرفیت مقاصد در مواجهه با مسائل نوپدید و تحقق عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلف احکام، از جمله عبادات، معاملات، احوال شخصیه و مجازات‌ها است. این سطح از اهداف نشان می‌دهد که تحقیق صرفاً جنبه نظری ندارد و توان عملیاتی مقاصد در استنباط فقهی و حل مسائل واقعی جوامع اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد.

روش تحقیق در این مقاله تحلیلی ـ توصیفی است و بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای، بررسی منابع سنتی و معاصر، و تحلیل نمونه‌ای آیات انجام می‌گیرد. این رویکرد امکان می‌دهد هم جایگاه سنتی مقاصد در اندیشه اسلامی بررسی شود و هم ظرفیت‌های آن برای پاسخگویی به نیازهای زمانه تبیین گردد. منابع مورد استفاده شامل آثار اندیشمندان برجسته اهل سنت و شیعه است، از جمله غزالی در المستصفی، شاطبی در الموافقات، ابن عاشور در مقاصد الشریعة الاسلامیة، علامه طباطبائی در المیزان و شهید صدر در المدرسة القرآنیة. بررسی این منابع، به‌ویژه در تحلیل نمونه‌های آیات الاحکام، امکان شناسایی کارکرد واقعی مقاصد در استنباط فقهی و میزان اثربخشی آن در حل مسائل نوپدید را فراهم می‌سازد.

در نهایت، اهمیت و ضرورت این پژوهش از دو جنبه قابل تبیین است. نخست، از نظر علمی، تحقیق می‌تواند خلأ موجود در تبیین جایگاه مقاصد در تفسیر فقهی قرآن را پر کند و چارچوبی منسجم برای بهره‌گیری از آن ارائه دهد. دوم، از نظر عملی، این پژوهش

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

می‌تواند راهگشای فقه اسلامی در مواجهه با پیچیدگی‌های اجتماعی و تغییرات زمانه باشد و نشان دهد که مقاصد الشریعه نه تنها ابزار تعمیق فهم نصوص، بلکه زمینه‌ساز تحقق عدالت، مصالح عمومی و پاسخگویی به نیازهای انسان معاصر است.

۳. مبانی نظری

در این قسمت به تبیین مبانی نظری مقاصد الشریعه پرداخته خواهد شد.

۳-۱. تعریف و خاستگاه مفهومی مقاصد الشریعه

مقاصد الشریعه به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در فقه اسلامی، ناظر بر اهداف و حکمت‌هایی است که شارع مقدس در پسِ تشریع احکام در نظر داشته است. این مفهوم، ریشه در اندیشه اصولی مسلمانان دارد و به‌تدریج از سطح توجه به مصالح جزئی به سطحی کلان‌تر یعنی کشف غایات و فلسفه‌های شریعت ارتقا یافت. بر این اساس، مقاصد الشریعه را می‌توان مجموعه‌ای از اهداف عام و خاص شریعت دانست که از جمله مهم‌ترین آنها حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال است (بختیاری، ۴۵).

در اندیشه اصولی، توجه به مصالح و مفاسد به‌عنوان مناط احکام از دیرباز مطرح بوده است. اصولیان بر این باورند که هر حکم شرعی بر مصلحت یا مفسده‌ای واقعی مبتنی است، و فهم دقیق آن، کلید درک ماهیت شریعت است. اهل سنت، به‌ویژه از قرن هفتم هجری با آراء ابواسحاق شاطبی در کتاب الموافقات، چارچوبی منسجم برای مقاصد ارائه کردند و مقاصد را نه تنها ابزار استنباط، بلکه معیار ارزیابی صحت و کارآمدی احکام دانستند (جماسی، ۷۲). از منظر آنان، مقاصد به سه سطح ضروریات، حاجیات و تحسینیات تقسیم می‌شوند که هر یک جایگاهی خاص در هندسه احکام دارد.

در مقابل، فقهای امامیه نیز هرچند با احتیاط بیشتری از این مفهوم بهره بردند، اما به‌ویژه در دوران معاصر به اهمیت آن در اجتهاد پی برده‌اند. به اعتقاد برخی محققان امامیه،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

مبانی روایی و عقلانی فراوانی وجود دارد که می‌تواند مقاصد را به‌عنوان یکی از ابزارهـای مهم در تفسیر و استنباط به رسمیت بشناسد. از این منظر، مقاصد نـه بـه‌عنـوان جـایگزین نصوص، بلکه به‌عنوان مکمّل آن در نظر گرفته می‌شود که زمینه پویایی و انطباق شریعت با تحولات اجتماعی را فراهم می‌کنـد (حاجیـان فروشـانی، مظهرقراملکـی و امـام، ۳۸). در نتیجه، خاستگاه مفهومی مقاصد الشریعه را باید در پیوند میان نصوص شرعی و واقعیت‌های اجتماعی جست‌وجو کرد. این مفهوم هم در فقه اهل سنت و هم در فقه امامیه جایگاهی رو به گسترش یافته و به‌ویژه در مواجهه با مسائل نوپدید، ظرفیت آن برای ارتقـای کارآمـدی فقه و تفسیر قرآن آشکارتر شده است.

۳-۲. تقسیم‌بندی مقاصد الشریعه

یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه مقاصد الشریعه، تقسیم‌بندی آن بـه سـطوح مختلـف است که به‌ویژه پس از شاطبی و سپس ابن عاشور مورد توجـه جـدی قـرار گرفـت. ایـن تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که مقاصد نه تنها در سطح ضروریات بلکـه در مراتـب پـایین‌تـر مانند حاجیات و تحسینیات نیز حضور دارند و نقش اساسی در تبیین جامعیت شریعت ایفا می‌کنند. نخستین سطح، مقاصد ضروریه است که پایه و اساس شریعت بر آن استوار اسـت. ابن عاشور ضروریات را در پنج اصل کلی خلاصه می‌کند: حفظ دین، حفـظ نفـس، حفـظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال. این مقاصد به گونه‌ای طراحی شده‌انـد کـه حیـات فـردی و اجتماعی بدون آنها مختل می‌شود. به عنوان نمونه، وجوب عبادات در راستای حفظ دیـن، حرمت قتل در راستای حفظ نفس، تحریم مسکرات در جهت حفظ عقل، احکام نکاح برای حفظ نسل، و مقررات اقتصادی و کیفری در جهـت صـیانت از امـوال تشـریع شـده اسـت (حیدرزاده، ۳۷۵).

در مرتبه دوم، مقاصد حاجیه قرار دارند که به نیازهای اساسی اما غیرضـروری انسـان پاسخ می‌دهند. این دسته از مقاصد در صورتی که نادیده گرفته شوند، حرج و مشقت ایجاد

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

می‌کنند، هرچند نابودی کلی نظام اجتماعی یا دینی به‌دنبال نخواهد داشت. به عنوان مثال، جواز قصر نماز در سفر یا رخصت روزه‌خواری برای بیمار، نمونه‌هایی از مقاصد حاجیه هستند که با هدف تسهیل و رفع مشقت در زندگی دینی تشریع شده‌اند (حاجیان فروشانی، قراملکی و امام، ۱۰۱).

سومین سطح، مقاصد تحسینیه است که ناظر به تکمیل و ارتقای زندگی انسانی بر مبنای فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی است. این دسته از مقاصد به زیباسازی و تهذیب رفتار فردی و اجتماعی کمک می‌کنند. به عنوان مثال، آداب طهارت و نظافت، توصیه به پوشش مناسب، و اهتمام به عدالت در معاملات، در چارچوب مقاصد تحسینیه جای می‌گیرند (حسنی، ۵۵). این سه‌گانه (ضروریات، حاجیات و تحسینیات) نه‌تنها بیانگر ساختار هرمی مقاصد است بلکه نشان می‌دهد که شریعت، نظامی پویا و چندسطحی دارد که پاسخگوی نیازهای متنوع انسان در عرصه‌های مختلف است. چنین تقسیم‌بندی‌ای امکان تفسیر فقهی قرآن را با توجه به مراتب مختلف مصالح فراهم کرده و راه را برای اجتهادی مقاصدی و کارآمد می‌گشاید.

۳-۳. جایگاه مقاصد الشریعه در نظام استنباط احکام

مقاصد الشریعه در نظام فقهی نقش مکمل و راهبردی دارند و درک دقیق آنها می‌تواند فهم نصوص شرعی و استخراج احکام را تسهیل کند. نسبت مقاصد با قرآن و سنت از جنبه نظری اهمیت ویژه‌ای دارد. (خوانساری، ۱۲۲) تأکید می‌کند که مقاصد الشریعه نه مفهومی خارج از نص، بلکه انعکاس اهداف کلی و حکمت‌های نهفته در قرآن و سنت است و امکان فهم عمیق‌تر و کارآمدتر احکام را فراهم می‌آورد. در این چارچوب، مقاصد به گونه‌ای به استنباط احکام کمک می‌کنند که نصوص بدون تحریف و همراه با رعایت حکمت‌های کلی اجرا شوند.

یکی از کارکردهای اساسی مقاصد در نظام استنباط احکام، پر کردن خلأهای نص

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

است. بسیاری از احکام شریعت در قرآن و سنت به صورت کلی بیان شده‌اند و جزئیات اجرای آن به صراحت ذکر نشده است. برخی معتقدند که استفاده از مقاصد، امکان تعیین اولویت‌ها و انتخاب بین راهکارهای متعدد فقهی را فراهم می‌آورد و از این طریق خلأهای نص را پر می‌کند (رحمانی و الفت‌پور، ۳۴). به بیان دیگر، مقاصد، حکمتی عملی برای مواجهه با مسائل نوپدید و شرایط متغیر زمان و مکان ارائه می‌دهند، بدون آنکه اصل نص یا مشروعیت آن خدشه‌دار شود. ابن عاشور نیز با تحلیل دقیق مقاصد، نشان می‌دهد که مقاصد الشریعه می‌توانند راهنمای اجتهادگر در مواجهه با مواردی باشند که نص یا سکوت شارع برای آنها پاسخ مشخص ندارد (رستمی زهرا و زینالی معصومه، ۱۷). این رویکرد به ویژه در حوزه‌هایی مانند حقوق خانواده و معاملات کاربرد عملی دارد، جایی که نیاز به تفسیر و تطبیق احکام با شرایط روز بسیار محسوس است. به طور کلی، جایگاه مقاصد در نظام استنباط احکام را می‌توان در دو محور اصلی خلاصه کرد: اول، تبیین و تقویت ارتباط میان نصوص و حکمت‌های کلی شریعت به منظور حفظ انسجام فقهی؛ و دوم، پر کردن خلأها و رفع تعارضات احتمالی میان نصوص، که این امر به پویایی و کارآمدی فقه کمک می‌کند (خوانساری، ۱۳۰). بدین ترتیب، مقاصد الشریعه ابزاری کلیدی در اجتهاد و تصمیم‌گیری فقهی محسوب می‌شوند که هم مشروعیت نصوص را حفظ می‌کنند و هم پاسخگوی نیازهای معاصر جامعه اسلامی هستند.

٤. تفسیر فقهی قرآن و جایگاه مقاصد

در این قسمت به تبیین تعریف، ویژگی‌های تفسیر فقهی قرآن، روش‌های سنتی مفسران در برداشت احکام و همچنین ضرورت توجه به مقاصد در تفسیر فقهی پرداخته خواهد شد.

٤-١. تعریف و ویژگی‌های تفسیر فقهی قرآن

تفسیر فقهی قرآن به معنای استخراج و توضیح احکام شرعی از متن قرآن است که با هدف کاربرد عملی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان انجام می‌شود. این نوع تفسیر،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

در مرز میان تفسیرهای تفسیری، اعتقادی و ادبی قرار دارد، زیـرا تمرکـز آن بـر احکـام و قواعد عملی است و نه صرفاً تبیین معانی لغوی یا مفـاهیم اعتقـادی (رضـایی‌راد، ۵۸). بـه عبارت دیگر، تفسیر فقهی قرآن رویکردی کاربردی و قانونی دارد و با هدف ارائه راهنمایی برای رفتارهای عبادی، معاملات، احوال شخصیه و مجازات‌ها شکل می‌گیرد.

ویژگی متمایزکننده تفسیر فقهی، ارتباط مستقیم با نصوص احکام است. آیات الاحکـام که به صراحت یا به صورت کنایی به دستورهای عملی اشاره دارند، نقطه شـروع ایـن نـوع تفسیر هستند. این نصوص، چارچوب اصـلی بـرای اسـتخراج احکـام فـراهم مـی‌کننـد و اجتهادگر را قادر می‌سازند تا با توجه به شرایط زمان و مکان، حکم دقیق و کاربردی ارائه دهد (زمانی و قمرالدین، ۵۲).

از دیگر ویژگی‌های تفسیر فقهی، توجه به مصالح و مقاصد شـریعت در کنـار نصـوص است. این رویکرد موجب می‌شود که احکام صرفاً براساس ظاهر الفاظ یـا قیـاس خشـک استخراج نشوند، بلکه اهداف و حکمت‌های کلی شریعت نیز در نظر گرفته شـوند. بـه ایـن ترتیب، تفسیر فقهی قرآن علاوه بر حفظ وفاداری به نصوص، قابلیت انطباق با شرایط متغیر اجتماعی را نیز دارد (رضایی‌راد، ۶۱).

تفسیر فقهی همچنین با دیگر انواع تفسیر ماننـد تفاسـیر اعتقـادی، اخلاقـی یـا بلاغـی تفاوت دارد. این تفاوت به دلیل تمرکز ویژه بر کارکرد قانونی و عملـی نصـوص اسـت، در حالی که سایر تفاسیر ممکن است بر مفاهیم اعتقادی، تفسیر لغوی، یا تحلیـل ادبـی آیـات تأکید کنند (زمانی و قمرالدین، ۵۰). در نهایت، تفسیر فقهـی قـرآن بـه‌عنـوان رابـط میـان نصوص شرعی و نیازهای عملی جامعه اسلامی عمل می‌کند و جایگاه مقاصـد شـریعت را در تبیین حکمت‌ها و اهداف احکام آشکار می‌سازد. این نوع تفسیر، با بهره‌گیری از اصـول فقهی و توجه به مصالح و مفاسد، امکان استخراج احکام منطبق بـر شـرایط روز را فـراهم می‌آورد و همزمان انسجام فقهی و مشروعیت نصوص را حفظ می‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

٤-۲. روش‌های سنتی مفسران در برداشت احکام

روش‌های سنتی مفسران برای برداشت احکام از قرآن، عمدتاً مبتنی بر تمرکز بر ظاهر الفاظ و تحلیل لغوی است. در این رویکرد، مفسران ابتدا به دلالت لغوی و صرفی آیات توجه می‌کنند و سعی دارند با بررسی معنا و ترکیب کلمات، حکم شرعی را استخراج کنند. به بیان دیگر، تحلیل دقیق مفردات و ترکیبات نحوی، نقطه شروع درک نصوص بوده و تا حد زیادی تعیین‌کننده حکم است (شوشتری و ناصری مقدم، ۱۰۲). این روش، در کنار رعایت آداب تفسیر، موجب می‌شود که برداشت احکام از قرآن بر مبنای معنای صریح و اولیه نص باشد و از تحمیل برداشت‌های سلیقه‌ای جلوگیری شود.

در کنار تحلیل لغوی، مفسران سنتی از قواعد اصول فقه بهره می‌برند تا حکم را در چارچوب کلی شریعت استنباط کنند. قواعدی مانند عموم و خصوص، اطلاق و تقیید، و قیاس، ابزارهای اصلی مفسران در استخراج احکام از نصوص محسوب می‌شوند (صابری، ۱۲۱). این قواعد کمک می‌کنند تا در مواجهه با تعارضات ظاهری میان آیات یا نیاز به تبیین حدود حکم، اجتهادگر بتواند حکم صحیح و متناسب با مقصود شارع را تعیین کند.

روش سنتی، هرچند به ظاهرگرایی متکی است، اما همواره با توجه به حکمت‌ها و مصالح شریعت نیز همراه بوده است. (ضیائی، ۱۵۳) اشاره می‌کند که حتی مفسران سنتی، با وجود تکیه بر ظاهر الفاظ، در موارد خاص به تأویل نصوص روی می‌آورده‌اند تا اهداف کلی شریعت و مقاصد احکام حفظ شود. این نشان می‌دهد که روش سنتی، زمینه‌ای برای تلفیق ظاهرگرایی با اصول فقهی و توجه به مصالح فراهم کرده است.

به طور خلاصه، روش‌های سنتی مفسران در برداشت احکام، ترکیبی از تحلیل لغوی دقیق و استفاده از ابزارهای اصولی فقه است. این روش، ضمن حفظ وفاداری به نصوص، امکان فهم صحیح احکام و کاربرد عملی آنها را در زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد. در عین حال، این رویکرد، پایه‌ای برای توسعه تفسیر فقهی مبتنی بر مقاصد الشریعه نیز فراهم کرده است تا در مواجهه با مسائل نوپدید، انعطاف و انطباق با نیازهای زمانه ممکن شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

٤-۳. ضرورت توجه به مقاصد در تفسیر فقهی

یکی از مسائل اساسی در تفسیر فقهی قرآن، محدودیت‌های ظاهرگرایی صرف است. رویکرد صرف به ظاهر الفاظ و قواعد لغوی، اگرچه در بسیاری موارد مفید است، اما نمی‌تواند پاسخگوی مسائل پیچیده و شرایط متغیر اجتماعی باشد. برخی نصوص به صورت کلی یا کنایی بیان شده‌اند و صرفاً اتکا به ظاهر آن‌ها ممکن است به برداشت‌های نادرست یا محدود منجر شود. (شوشتری، ناصری مقدم و صابری، ۲۱۰) تأکید می‌کنند که بدون توجه به مقاصد، احکام استخراج شده از نصوص ممکن است از روح شریعت فاصله گرفته و در عمل ناکارآمد باشند.

به همین دلیل، ضرورت توجه به مقاصد الشریعه در تفسیر فقهی آشکار می‌شود. مقاصد با شناسایی اهداف کلی و حکمت‌های نهفته در شریعت، امکان برداشت دقیق‌تر و منطبق با نیازهای واقعی جامعه را فراهم می‌کنند. (قاسم‌پور راوندی و بهزادیان، ۱۱۸) بیان می‌کنند که تفسیر مقاصدی کمک می‌کند تا اجتهادگر بتواند بین نصوص ظاهراً متعارض یا کلی و مسائل نوپدید، تعادل برقرار کند و حکم عملی متناسب با هدف شارع ارائه دهد.

نمونه‌هایی از آیات که فهم آن‌ها بدون رویکرد مقاصدی دشوار است، شامل آیات مرتبط با موازین قصاص، حقوق خانواده، و احکام اقتصادی است. به عنوان مثال، آیات مربوط به ارث و سهم‌بندی فرزندان در شرایط خاص، یا احکام کفاره و دیات، بدون توجه به حفظ مصالح و جلوگیری از حرج، به برداشت محدود و ناتمام منجر می‌شوند. (نصیری، ۹۷) اشاره می‌کند که حتی در حوزه فقه سیاسی و اجتماعی، مانند محدودیت‌های مربوط به حکومت و تعامل با غیرمسلمانان، تنها با تحلیل مقاصدی می‌توان تعادل میان عدالت، مصالح عمومی و اجرای نصوص را برقرار ساخت. به طور کلی، توجه به مقاصد در تفسیر فقهی، نه تنها محدودیت‌های ظاهرگرایی را جبران می‌کند، بلکه موجب تقویت انسجام و کارآمدی فقه اسلامی می‌شود. این رویکرد امکان انطباق نصوص با شرایط زمان و مکان و پاسخگویی به مسائل نوپدید را فراهم می‌آورد و از تفسیرهای سلیقه‌ای و غیرمنضبط جلوگیری می‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

۵. تطور تاریخی توجه به مقاصد در تفسیر

در این قسمت به تفکیک تطور تاریخی مقاصد الشریعه در فقه اهل سنت و امامیه پرداخته خواهد شد.

۵-۱. فقه اهل سنت

در میان اهل سنت، بحث توجه به مقاصد شریعت در تفسیر و استنباط احکام، به‌تدریج و در طی یک سیر تاریخی به‌صورت جدی مطرح گردید. نخستین گام‌ها در این زمینه را می‌توان در آثار امام‌الحرمین جوینی مشاهده کرد. او در کتاب البرهان فی أصول الفقه با تأکید بر مصالح مرسله و ضرورت توجه به اهداف کلان شریعت، نشان داد که ظاهر الفاظ آیات و روایات به‌تنهایی برای استنباط احکام کافی نیست و باید به غایات احکام نیز توجه کرد (جوینی، ۲۵۸). شاگرد او، امام غزالی، این رویکرد را گسترش داد و در المستصفی نظریه مقاصد را در پنج ضرورت کلی دین، نفس، عقل، نسل و مال نظام‌مند ساخت (غزالی، ۱۷۴). غزالی در واقع با ارائه چارچوبی منسجم برای مقاصد، راه را برای ورود مقاصد به عرصه تفسیر فقهی قرآن گشود.

اوج این جریان در قرن هشتم هجری و با اثر سترگ شاطبی یعنی الموافقات پدید آمد. شاطبی در این کتاب، مقاصد را نه صرفاً یک ابزار فرعی، بلکه مبنای اصلی فهم شریعت معرفی کرد. او تصریح نمود که مقاصد شریعت ریشه در نصوص دارند و بدون درک آن‌ها، هیچ فهمی از قرآن و سنت کامل نخواهد بود (شاطبی، ۲/ ۳۰۲). به‌ویژه در عرصه تفسیر آیات احکام، شاطبی معتقد بود که مفسر باید علاوه بر ظاهر نص، به علل و حکمت‌های نهفته در ورای آن توجه کند. بدین ترتیب، مقاصد به‌عنوان حلقه واسط میان ظاهر آیات و غایات شریعت مطرح گردید. در نتیجه، از جوینی تا غزالی و سپس شاطبی، یک مسیر تکاملی در اندیشه اهل سنت دیده می‌شود که از توجه مقدماتی به مصالح مرسله آغاز شد و در نهایت به یک نظام‌مند شدن مقاصد در تفسیر و فقه انجامید؛ تحولی که بعدها بر جریان‌های تفسیری و فقهی متأخر نیز تأثیر عمیق گذاشت.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

۵-۲. فقه امامیه

در فقه امامیه، توجه به مقاصد شریعت در تفسیر قرآن و استنباط احکام سیر تاریخی خاصی را پیموده است. هرچند در متون کهن امامیه بیشتر بر اصول لفظی و قواعد استنباطی سنتی تأکید شده، اما در دوران معاصر برخی اندیشمندان برجسته با ارائه نگرش‌های نو، مقاصد را به‌عنوان رویکردی مکمل در کنار تفسیر نصوص مطرح کرده‌اند.

علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن با رویکردی کل‌گرایانه به قرآن، بر این باور بود که آیات باید در پرتو یک نظام هماهنگ و هدفمند فهم شوند. او تأکید داشت که ظاهر آیات تنها زمانی معنای کامل خود را آشکار می‌سازد که در منظومه کلی مقاصد الهی، همچون هدایت بشر و تحقق عدالت اجتماعی، قرار گیرد (طباطبایی، ۱۱/۱-۱۲). این نگاه کل‌گرایانه سبب شد که طباطبایی به جای توقف صرف بر دلالت‌های لفظی، به ارتباط درونی آیات و اهداف عام شریعت نیز توجه کند (محمدی، ۲۱). در ادامه این جریان، شهید سید محمدباقر صدر با طرح نظریه «منطقة الفراغ» گام مهمی در توسعه مقاصد برداشت. او معتقد بود که شریعت در کنار احکام ثابت، حوزه‌ای خالی را باقی گذاشته است تا ولیّ امر بتواند براساس مصالح متغیر و اهداف کلان شریعت به قانون‌گذاری بپردازد (صدر، ۱۹۹۹، ۴۱). این نظریه در حقیقت بیانگر پیوندی عمیق میان نصوص و مقاصد است، زیرا نشان می‌دهد که شریعت صرفاً به بیان احکام جزئی نپرداخته، بلکه افق وسیع‌تری برای اداره جامعه بر پایه مقاصد الهی فراهم کرده است (محصلی و نوری، ۱۳۹۹، ۱۱۸). به این ترتیب، تطور تاریخی در امامیه از توجه غالب به ظاهر نصوص به سمت یک رویکرد مقاصدی ـ نظام‌مند حرکت کرده است. نگاه علامه طباطبایی به قرآن به‌عنوان یک کل منسجم و نظریه «منطقة الفراغ» شهید صدر، دو نقطه عطف اساسی در این مسیر به شمار می‌روند که راه را برای گسترش کارکرد مقاصد در تفسیر و فقه امامیه هموار ساخته‌اند (شوشتری و حیدری خورمیزی، ۱۳۴).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

۵-۳. تطبیق فقه اهل سنت و امامیه

تطور تاریخی توجه به مقاصد در تفسیر، چه در فقه اهل سنت و چه در فقه امامیه، نشان‌دهنده یک دغدغه مشترک است: رفع محدودیت‌های ظاهرگرایی صرف و ارائه قرائتی پویا از نصوص دینی. با این حال، مسیر این دو مکتب و نقاط تأکید آنان تفاوت‌هایی بنیادین داشته است. در فقه اهل سنت، توجه به مقاصد به‌ویژه از قرن پنجم به بعد با آراء امام‌الحرمین جوینی و سپس غزالی، و اوج آن با شاطبی در الموافقات، به‌صورت یک نظریه منسجم درآمد. آنان کوشیدند تا مقاصد را به مثابه چارچوبی برای فهم نصوص و استنباط احکام مطرح کنند، به‌گونه‌ای که مقاصد ضروریه (دین، نفس، عقل، نسل و مال) محور اصلی در تفسیر و اجتهاد قرار گرفت. در نتیجه، سنت فقهی اهل سنت توانست با تکیه بر این مبنا به نوعی عقلانیت ساختاری در تفسیر احکام دست یابد و نصوص را در پرتو اهداف کلی دین معنا کند. در مقابل، در فقه امامیه، گرچه توجه به مقاصد به‌طور سنتی و مدون همانند شاطبی دیده نمی‌شود، اما در عصر معاصر اندیشمندانی چون علامه طباطبایی و شهید صدر این رویکرد را در قالبی متفاوت پیش بردند. علامه با نگاه کل‌گرایانه به قرآن، انسجام درونی آیات و پیوند آنها با اهداف هدایت‌گرانه دین را برجسته ساخت، در حالی که شهید صدر با نظریه «منطقة الفراغ» نشان داد که شریعت در کنار احکام ثابت، قلمروی انعطاف‌پذیر برای پاسخ به نیازهای متغیر اجتماعی در پرتو مقاصد فراهم کرده است.

وجه اشتراک دو مکتب را می‌توان در اذعان به ضرورت فراتر رفتن از ظاهرگرایی و تکیه بر اهداف کلان شریعت دانست. اما تفاوت اصلی در این است که اهل سنت مقاصد را به‌مثابه یک نظام مدون و ساختاریافته از قرون میانه وارد دانش اصول فقه کردند، در حالی که امامیه، بیشتر در دوران معاصر، با اتکا به تفسیر فلسفی ـ اجتماعی قرآن و رویکردهای نوین به فقه حکومتی، مقاصد را به‌عنوان پشتوانه‌ای برای پویایی اجتهاد معرفی کردند. این تفاوت تاریخی سبب شده است که فقه اهل سنت در این حوزه پیشینه نظام‌مندتری داشته باشد، در حالی که امامیه بیشتر بر نوآوری‌های متأخر و پیوند مقاصد با شرایط اجتماعی ـ سیاسی معاصر تکیه کرده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

۶. روش‌شناسی مقاصدی در تفسیر قرآن

در این قسمت به تفکیک به تبیین اصول راهنما در تفسیر مقاصدی، ابزارهای کشف مقاصد از قرآن و در نهایت چالش‌های روش‌شناختی پرداخته خواهد شد.

۶-۱. اصول راهنما در تفسیر مقاصدی

در روش‌شناسی مقاصدیِ تفسیر قرآن، اصولی وجود دارد که به مفسر امکان می‌دهد فراتر از ظاهر الفاظ حرکت کرده و روح کلی شریعت را درک کند. یکی از مهم‌ترین این اصول، تقدم مصالح کلی بر جزئی است. مقاصد الشریعه بر آن است که شریعت در پی تحقق مصالح بنیادین بشر است و این مصالح، در موارد تعارض با مصلحت‌های خرد و فردی، اولویت دارند. بدین معنا که اگر ظاهر یک نص قرآنی به گونه‌ای برداشت شود که با مصالح کلی امت و ضرورت‌های حیاتی دین، عقل و جامعه تعارض یابد، مفسر موظف است آن را در پرتو مقاصد ضروریه بازخوانی کند (شوشتری، ناصری مقدم و صابری، ۹۶). این اصل عملاً مانع از جمود بر الفاظ می‌شود و به تفسیر انعطاف‌پذیر و متناسب با شرایط اجتماعی و تاریخی میدان می‌دهد.

اصل دیگر، جمع میان نص و مقصد است. این اصل بر آن است که نصوص قرآنی و مقاصد شریعت در تعارض ذاتی با یکدیگر قرار ندارند، بلکه مقصد همان غایت نهفته در نص است. بنابراین مفسر در مقام استنباط باید از یک‌سو وفاداری خود به نص را حفظ کند و از سوی دیگر، آن را در پرتو اهداف کلان شریعت تفسیر نماید. برای نمونه، احکام مربوط به معاملات یا حدود، اگر تنها بر اساس ظاهر فهمیده شوند ممکن است انعطاف‌ناپذیر جلوه کنند، اما با تکیه بر مقاصد، قابلیت انطباق با شرایط متغیر اجتماعی پیدا می‌کنند (علوی و میری بالاجورشری، ۷۰). در همین راستا، تأکید بر این است که مقصد نه جایگزین نص، بلکه مکمل آن است و کشف مقصد بدون ارجاع به نص معتبر بی‌معناست. (علیدوست، ۱۳۲) در مجموع، این دو اصل راهبردی یعنی تقدم مصالح کلی بر جزئی و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

جمع میان نص و مقصد، چارچوبی فراهم می‌کنند که مفسر ضمن پایبندی به قرآن، بتواند روح شریعت را در فهم و اجرای احکام به‌گونه‌ای جاری سازد که پاسخگوی نیازهای بشری در طول تاریخ باشد.

۶-۲. ابزارهای کشف مقاصد از قرآن

در روش‌شناسی مقاصدی برای تفسیر قرآن، کشف مقاصد نیازمند ابزارهای روشمند است که بتواند مفسر را از سطح ظاهر آیات به عمق غایات شریعت رهنمون سازد. نخستین ابزار، تحلیل سیاقی و موضوعی است. در این رویکرد، آیه نه به‌صورت منفرد بلکه در بستر آیات قبل و بعد و همچنین در چارچوب کلان موضوعی قرآن فهم می‌شود. این روش مانع از برداشت‌های جزئی‌نگر و گسسته می‌گردد و مفسر را به کشف غایت واحدی که آیات متعدد حول آن سامان یافته‌اند، هدایت می‌کند (کریمی‌نیا، ۱۰۲). به‌عنوان نمونه، آیات مربوط به عدالت یا انفاق تنها با توجه به سیاق کلی قرآن در باب عدالت اجتماعی قابل فهم دقیق هستند.

دومین ابزار، بررسی روح کلی شریعت است. این ابزار بر این مبنا استوار است که قرآن و سنت، اهداف کلانی همچون عدالت، رفع حرج و تحقق مصالح انسان را دنبال می‌کنند. مفسر مقاصدی با تحلیل مجموعه‌ای از نصوص، اصول حاکم بر شریعت را کشف کرده و آن را به‌عنوان چارچوبی برای فهم احکام جزئی به کار می‌برد. این نگاه سبب می‌شود تا احکام، انعطاف لازم را برای پاسخ‌گویی به شرایط متغیر تاریخی و اجتماعی پیدا کنند (گرامی‌پور و راغبی، ۶۸).

سومین ابزار، رجوع به سنت و سیره عقلا است. سنت پیامبر(ص) و ائمه(ع) به‌عنوان مبین و مفسر قرآن، یکی از مهم‌ترین منابع کشف مقاصد است، زیرا در عمل نشان داده‌اند که چگونه نصوص در پرتو مصالح و شرایط اجتماعی تطبیق می‌یابد. افزون بر آن، سیره عقلا به‌عنوان عقلانیت جمعی بشر، معیار مهمی در فهم مقاصد محسوب می‌شود و می‌تواند

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

به شریعت در انطباق با مقتضیات زمان یاری رساند (کریمی‌نیا، ۱۱۰). در مجموع، تحلیل سیاقی و موضوعی، بررسی روح کلی شریعت و رجوع به سنت و سیره عقلا سه ابزار مکمل‌اند که مفسر مقاصدی را قادر می‌سازند تا پیوندی میان نصوص قرآنی و اهداف عالی شریعت برقرار کند و از جمود در ظاهر آیات پرهیز نماید.

۶-۳. چالش‌های روش‌شناختی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های روش‌شناختی در تفسیر مقاصدی قرآن، خطر نسبی‌گرایی و شخصی‌سازی تفسیر است. از آنجا که مقاصد به‌عنوان اهداف کلی شریعت اغلب در قالب مفاهیمی همچون عدالت، مصلحت یا رفع حرج بیان می‌شوند، این خطر وجود دارد که مفسران در تعیین مصادیق آن، دچار نوعی برداشت شخصی و سلیقه‌ای شوند. در نتیجه، آنچه به‌عنوان «مصلحت» یا «عدالت» معرفی می‌شود، می‌تواند وابسته به دیدگاه‌های فردی یا شرایط فرهنگی خاص باشد و این امر به نسبی‌گرایی در تفسیر بینجامد. در چنین حالتی، مقاصد به‌جای آنکه معیار فهم نصوص باشند، به ابزاری برای توجیه پیش‌فرض‌های ذهنی مفسر تبدیل می‌شوند.

چالش دوم، امکان تعارض میان مقاصد و نصوص است. در برخی موارد، ظاهر یک آیه یا حکم قرآنی ممکن است در نگاه نخست با مقصدی چون رفع حرج یا تحقق عدالت ناسازگار به نظر برسد. در این شرایط، پرسش اساسی آن است که اولویت با کدام است: وفاداری به ظاهر نص یا حرکت در جهت مقصد کلی؟ برخی بر این باورند که مقصد همیشه بر نص مقدم است، زیرا نص در خدمت مقصد قرار دارد؛ اما این دیدگاه می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف مرجعیت نصوص شود. در مقابل، اگر همواره نص بر مقصد مقدم شمرده شود، مقاصد عملاً نقش راهنمایی و پویایی‌بخشی خود را از دست خواهند داد.

تحلیل این تعارض نشان می‌دهد که راه‌حل صرفاً در یکی از دو سوی افراط یا تفریط نیست، بلکه در ایجاد توازن میان نص و مقصد نهفته است. مفسر مقاصدی باید بکوشد تا با

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

بهره‌گیری از روش‌های دقیق اصولی، نشان دهد که ظاهر نص در نهایت بـا مقصـد هماهنـگ است و تعارض صرفاً در سطح برداشت‌های ابتدایی رخ می‌دهد. بـا ایـن حـال، ایـن فراینـد نیازمند دقت فراوان و پرهیز از شتاب‌زدگی است، زیرا کوچک‌ترین لغزش می‌تواند به خـروج از مرزهای تفسیر معتبر و ورود به عرصه تفسیر شخصی و غیرقابل‌پذیرش منجر شود.

۷. نمونه‌های تطبیقی از تفسیر مقاصدی قرآن

در این قسمت به بیان برخی مصادیق تفاسیر مقاصدی پرداخته خواهد شد.

۷-۱. آیات مرتبط با عبادات

در تفسیر مقاصدی قرآن، آیات مربوط به عبادات از مهم‌ترین عرصه‌هـایی هسـتند کـه نشان می‌دهند تشریع احکام عبادی تنها به ظاهر الفاظ محدود نیست، بلکه اهداف و مقاصد عمیق‌تری در پس آن نهفته است. نماز به‌عنوان ستون دین، در قرآن بارها با تأکید بر اقامـه و نه صرفاً ادای ظاهری آن مطـرح شـده اسـت: «إِنَّ الصَّـلَاةَ تَنْهَـى عَـنِ الْفَحْشَـاءِ وَالْمُنكَـرِ» (العنکبوت، ۴۵). مقاصدی که در پس تشریع نماز نهفته است، چیـزی فراتـر از حرکـات و اذکار است و ناظر به تهذیب نفس، ایجاد پیوند معنوی با خداوند، و تربیت اخلاقـی جامعـه است. (قماشی، ۸۲) تأکید می‌کند که کرامت انسانی یکـی از محورهـای بنیـادین در تبیـین فلسفه عبادات است و نماز با ایجاد خودکنترلی و تقویت معنویت، انسان را به سوی تحقـق این کرامت سوق می‌دهد.

در مورد روزه نیز قرآن به روشنی بر بُعد مقاصدی آن تصریح کرده است: «كُتِبَ عَلَـيْكُمُ الصِّيَامُ... لَعَلَّكُمْ تَتَّقُـونَ» (البقره، ۱۸۳). هدف اصلی در تشریع روزه دستیابی به تقوا و تمـرین مهار خواهش‌های نفسانی است. این نشان می‌دهد که ظاهر حکم یعنی امساک از خوردن و آشامیدن، در خدمت غایتی کلان‌تر قرار گرفته است. (قنادمعتمـدی اصـفهانی و احمـدیان، ۹۱) بر این نکته تأکید دارند که رویکرد امامیه به مقاصد، بر پیوند میـان احکـام عبـادی و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

مصالح معنوی و اجتماعی استوار است، به گونه‌ای که روزه نه‌تنها تمرین فردی تقـوا، بلکـه بستری برای همبستگی اجتماعی از طریق احساس مشترک نیاز و فقر محسوب می‌شود. بر این اساس، تفسیر مقاصدی عبادات نشان می‌دهد کـه نمـاز و روزه در نگـاه قـرآن صـرفاً وظایف فردی نیستند، بلکه مقاصدی همچـون عـدالت اخلاقـی، کرامـت انسـانی و تقـوای اجتماعی را محقق می‌سازند و بدون توجه به این اهداف، عبادات به مجموعـه‌ای از اعمـال ظاهری تقلیل می‌یابند.

۷-۲. آیات مرتبط با معاملات

در حوزه معاملات، قرآن کریم با شدت و صراحتی بی‌نظیر به تحریم ربا پرداختـه و آن را به‌مثابه جنگ با خدا و رسول توصیف می‌کند: «فَـإِن لَّـمْ تَفْعَلُـوا فَـأْذَنُوا بِحَـرْبٍ مِّـنَ اللَّـهِ وَرَسُولِهِ» (البقره، ۲۷۹). ظاهر حکم حرمت ربا روشن اسـت، امـا تفسـیر مقاصـدی نشـان می‌دهد که این نهی، تنها منع یک معامله خاص نیست، بلکـه بیـانگر مقصـدی کـلان یعنـی تحقق عدالت اقتصادی و جلوگیری از استثمار است. بر این اساس، ربا به‌عنوان سـازوکاری که موجب تمرکز ثروت در دست گروهی خاص و تضعیف اقشـار آسـیب‌پـذیر مـی‌شـود، خلاف روح کلی شریعت که بر عدالت و توزیع متوازن منابع تأکیـد دارد، تلقـی مـی‌گـردد (نقیبی، ۲۳۱). برخی نویسندگان معتقدند که یکی از کارکردهای آیات مبیّن مقاصـد، ارائـه معیارهایی برای ارزیابی روایات و حتی برداشت‌های فقهی است. در این چارچوب، مقاصد شریعت به مفسر نشان می‌دهد که حکم تحریم ربا نباید در سطح منع یک عمـل قـراردادی محدود شود، بلکه باید به‌مثابه قاعده‌ای عام در برابر هرگونه سازوکار اقتصادی که به ظلـم ساختاری یا نابرابری آشکار منجر شود، فهمیده شود. (گرامی‌پور، ۲۶۷)

به همین دلیل، فقهای مقاصدی ربا را تنها در قالب قرض ربوی سنتی محدود نمی‌کننـد، بلکه هر نظام مالی‌ای را که روح آن به استثمار و تضییع حقوق ضعفا بیانجامد، ذیـل همـان مقصد کلان می‌دانند. این تحلیل مقاصدی سبب می‌شود تا فهم قرآن در زمینـه معـاملات از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

حصار تعاریف محدود بیرون آید و به اصولی چون کرامت انسان، عدالت اجتماعی و جلوگیری از ظلم اقتصادی پیوند بخورد. بدین ترتیب، تحریم ربا در تفسیر مقاصدی، نه‌تنها یک حکم فردی، بلکه ابزار تحقق عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی معرفی می‌شود؛ عدالتی که به‌عنوان مقصدی بنیادین، جهت‌دهنده تمام احکام مالی و معاملاتی است.

۷-۳. آیات مرتبط با احوال شخصیه

در حوزه احوال شخصیه، به‌ویژه در مباحث مربوط به نکاح و طلاق، تفسیر مقاصدی قرآن جایگاه ویژه‌ای یافته است. هدف اصلی از تشریع این احکام در نگاه مقاصدی، حفظ نسل و خانواده به عنوان بنیادی‌ترین رکن اجتماع است. در آیات مرتبط با نکاح، از جمله «وَأَنكِحُوا الْأَيَامَى مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ» (النور، ۳۲)، تشریع ازدواج نه صرفاً به‌عنوان یک قرارداد فردی، بلکه به‌مثابه نهادی اجتماعی با کارکردهای گسترده، از جمله حفظ عفت عمومی و استمرار نسل، مورد توجه قرار گرفته است. در نگاه مقاصدی، این آیه بیانگر آن است که اصل در روابط انسانی، تشکیل خانواده و ایجاد بستر سالم برای بقای نسل است (رضایی‌راد، ۸۸). در مقابل، آیات مربوط به طلاق، مانند «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» (البقره، ۲۲۹)، نشان می‌دهد که تشریع طلاق، هرچند به‌عنوان آخرین راه‌حل برای پایان دادن به زندگی مشترک مطرح است، اما مقصد آن جلوگیری از بروز ظلم و مشقت در روابط خانوادگی و نیز حفظ کرامت طرفین است. از منظر مقاصدی، آیات طلاق نشانگر آن است که شارع، هم در هنگام ایجاد خانواده و هم در هنگام فروپاشی آن، مقصد حفظ مصالح انسان و صیانت از بنیان اجتماعی را مدنظر داشته است (وکیل‌زاده، ۱۴۵).

وجه اشتراک این دو بخش از احکام آن است که همگی بر محور مقصد کلان «حفظ نسل و خانواده» می‌چرخند. با این حال، در مقام تطبیق، تفاوت‌هایی نیز میان نگاه امامیه و اهل سنت مشاهده می‌شود. امامیه بیشتر بر بعد اخلاقی و کرامت انسانی در نکاح و طلاق

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

تأکید کرده‌اند، در حالی که اهل سنت در برخی موارد به جنبه‌های اجتماعی و کارکردی این احکام توجه بیشتری دارند. در هر دو دیدگاه، تفسیر مقاصدی زمینه‌ای برای بازاندیشی در احکام احوال شخصیه فراهم می‌آورد، بی‌آنکه از چارچوب نصوص فراتر رود.

۷-٤. آیات مرتبط با مجازات‌ها

آیات مربوط به قصاص یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تفسیر مقاصدی قرآن در حوزه مجازات‌ها به‌شمار می‌رود. قرآن کریم در آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (البقره، ۱۷۹) فلسفه تشریع قصاص را «حیات» معرفی می‌کند. از منظر مقاصدی، این بیان آشکار می‌سازد که مقصد قصاص صرفاً انتقام یا مجازات مجرم نیست، بلکه هدف اصلی آن صیانت از نفس و حفظ حیات اجتماعی از طریق بازدارندگی و ایجاد عدالت است. در واقع، قصاص به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از تکرار جرم و ایجاد احساس امنیت در جامعه تفسیر می‌شود (حسنی، ۵۵).

از منظر عدالت، قصاص مصداقی از رعایت تناسب میان جرم و مجازات است. شارع با وضع این حکم، به جای رواج انتقام‌جویی فردی و قبیله‌ای، مکانیزمی قانونی و عادلانه برای پاسخ به جنایات جانی ارائه داده است. تفسیر مقاصدی نشان می‌دهد که این حکم در پی برقراری تعادل میان حق فردی اولیای دم و مصلحت عمومی جامعه است؛ بدین معنا که هم کرامت اولیای دم محفوظ بماند و هم اصل حیات اجتماعی آسیب نبیند (حیدرزاده، ۳۷۶).

در نگاه امامیه، توجه به ابعاد اخلاقی و امکان عفو و دیه، مکمل مقصد عدالت در حکم قصاص است. این نگاه نشان می‌دهد که نص قرآنی در عین تأکید بر اصل عدالت، ظرفیت انعطاف‌پذیری بر اساس مقاصد کلان شریعت مانند رحمت و اصلاح اجتماعی را نیز دارد (قنادمعتمدی اصفهانی و احمدیان، ۱۴). در مقابل، اهل سنت نیز بر مقصد حیات و عدالت تأکید دارند، اما بیشتر بر کارکرد بازدارندگی اجتماعی قصاص متمرکز شده‌اند. در نتیجه، تفسیر مقاصدی از آیات قصاص نشان می‌دهد که این حکم نه برای تشدید خشونت، بلکه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

برای تضمین حیات، امنیت و عدالت اجتماعی وضع شده است و این مقصد کلان، در هر دو سنت امامیه و اهل سنت مورد تأکید است.

۸. دستاوردها و چالش‌های تفسیر مقاصدی

در این قسمت به تفکیک دستاوردها و چالش‌های تفسیر مقاصدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۸-۱. دستاوردها

تفسیر مقاصدی قرآن یکی از مهم‌ترین رویکردهایی است که توانسته انعطاف و پویایی شریعت را در مواجهه با مسائل زمان و مکان تضمین کند. برخلاف برداشت‌های صرفاً لفظی و ظاهرگرایانه که ممکن است احکام را در قالبی خشک و غیرقابل تطبیق با شرایط جدید محدود سازند، تفسیر مقاصدی با توجه به اهداف کلان شریعت، امکان بازخوانی احکام در چارچوب مصالح انسانی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. به این ترتیب، شریعت به‌جای آنکه صرفاً مجموعه‌ای از قوانین ثابت باشد، به نظامی پویا و پاسخگو به نیازهای بشر تبدیل می‌شود که قادر است تحولات تاریخی، اجتماعی و اقتصادی را مدنظر قرار دهد.

یکی دیگر از دستاوردهای برجسته این رویکرد، پاسخ به نیازهای زمان و مکان است. مقاصد شریعت، چون اصول بنیادین و اهداف کلان آن را نمایندگی می‌کنند، مفسر را قادر می‌سازند تا احکام جزئی را متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاص جامعه استخراج کند. برای مثال، در حوزه معاملات، احکام مربوط به ربا و تجارت، تنها بر مبنای نصوص تاریخی قابل فهم نیست، بلکه باید در پرتو مقصد عدالت اقتصادی و حفظ حقوق اقشار آسیب‌پذیر تحلیل شود. در عبادات نیز مانند روزه و نماز، مقاصد کمک می‌کنند تا علاوه بر رعایت دستور شرعی، اهداف تربیتی و اجتماعی آن تحقق یابد، بدون آنکه روح حکم خدشه‌دار شود. همچنین، تفسیر مقاصدی نقش مهمی در تقویت عدالت اجتماعی در استنباط احکام دارد. از آنجا که مقاصد شریعت بر کرامت انسانی، حفظ نسل، حمایت از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

حقوق ضعیفان و تحقق عدالت تأکید دارند، مفسران می‌توانند در مواجهه با خلأهای نصوص یا شرایط خاص، احکام را به‌گونه‌ای اجرا کنند که عدالت و مصالح عمومی جامعه حفظ شود. این رویکرد از محدودیت‌های جمود و برداشت‌های صرفاً فردی یا جزئی‌نگر می‌کاهد و نظام فقهی را به ابزاری برای تحقق اهداف اجتماعی و انسانی تبدیل می‌کند. در مجموع، تفسیر مقاصدی، شریعت را از حالت ایستا خارج کرده و آن را به نظامی زنده، منعطف و عدالت‌محور تبدیل می‌سازد که توانایی پاسخگویی به پیچیدگی‌های زمان و مکان را دارد.

۸-۲. چالش‌ها

یکی از چالش‌های اساسی در تفسیر مقاصدی قرآن، تعیین مرز میان مقصد و نص است. در حالی که نصوص قرآن از طریق الفاظ و جملات مشخص بیان شده‌اند، مقاصد شریعت در سطحی کلی و غالباً غیرملموس قرار دارند. این تفاوت ذاتی می‌تواند موجب شود که مفسر در برخی موارد میان وفاداری به ظاهر نص و توجه به مقصد دچار سردرگمی شود. تعادل میان این دو عنصر، نیازمند دقت، تجربه و رعایت قواعد اصولی است، زیرا افراط در توجه به مقاصد ممکن است به نادیده‌گرفتن نص و تفریط، تمرکز صرف بر ظاهر آیه را به دنبال داشته باشد.

چالش دوم، اختلاف فقها در تعیین مقاصد است. با توجه به ماهیت کلی و فراگیر مقاصد، مفسران مختلف ممکن است برداشت‌های متفاوتی از یک مقصد واحد داشته باشند. برای مثال، یک حکم در حوزه معاملات یا مجازات‌ها ممکن است از منظر برخی فقها در جهت تقویت عدالت اقتصادی تفسیر شود، در حالی که دیگران همان حکم را بیشتر در راستای بازدارندگی اجتماعی تحلیل کنند. این تفاوت‌ها می‌تواند وحدت رویه فقهی را تضعیف کرده و به پیچیدگی در استنباط و اجتهاد منجر شود.

چالش سوم، خطر سوءاستفاده‌های مرامی است. تفسیر مقاصدی به دلیل ماهیت نسبی و کلی خود، ممکن است توسط برخی افراد یا گروه‌ها به‌منظور توجیه دیدگاه‌های شخصی،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

سیاسی یا مرامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این خطر به‌ویژه زمانی افزایش می‌یابد که مفسر یا مجتهد بدون رعایت مبانی اصولی و ضوابط فقاهتی، مقصد را بر نص مقدم بداند و از آن به‌عنوان ابزار تأیید نظر خود استفاده کند.

به‌طور کلی، تفسیر مقاصدی گرچه مزایای فراوانی دارد، اما بدون توجه به این چالش‌ها می‌تواند به برداشت‌های سلیقه‌ای و متعارض، اختلافات فقهی و سوءاستفاده‌های احتمالی منجر شود. راهکار مؤثر در این زمینه، رعایت دقیق اصول استنباط، بهره‌گیری از ابزارهای تحلیلی و رجوع به منابع معتبر سنت و عقل است تا تعادل میان نص و مقصد حفظ شود.

نتایج مقاله

در جمع‌بندی این تحقیق، روشن می‌شود که تفسیر مقاصدی قرآن، با تأکید بر اهداف کلان شریعت، توانسته است ابزاری کارآمد برای ایجاد پویایی، انعطاف و عدالت در فقه فراهم آورد. این رویکرد، امکان خوانش متعادل از نصوص را فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که هم وفاداری به ظاهر آیات حفظ می‌شود و هم اهداف کلی شریعت در زمینه تأمین مصالح انسانی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. با بررسی تطور تاریخی و نمونه‌های تطبیقی، مشخص شد که فقهای امامیه و اهل سنت هر دو، با اختلاف در شیوه و اولویت‌بندی، به اهمیت مقاصد در فهم احکام پی برده‌اند و تلاش کرده‌اند تا تشریع احکام را از یک سطح صرفاً لفظی فراتر ببرند. پرسش اصلی تحقیق درباره نقش مقاصد الشریعه در تفسیر فقهی قرآن با تحلیل داده‌ها پاسخ داده شد: مقاصد نه جایگزین نصوص هستند و نه ابزاری برای دور زدن آن‌ها، بلکه به‌عنوان مفسر و مکمل نصوص عمل می‌کنند. این نگاه، امکان سازگاری شریعت با شرایط متغیر زمان و مکان را فراهم می‌آورد و در عین حال تضمین می‌کند که روح قوانین، با حفظ کرامت انسانی و تقویت عدالت اجتماعی، دستخوش تحریف نشود. اهمیت این رویکرد در حوزه‌های مختلف مانند عبادات، معاملات، احوال شخصیه و مجازات‌ها به وضوح مشاهده می‌شود؛ مقاصد شریعت کمک می‌کنند تا احکام با توجه به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

اهداف تربیتی، اقتصادی و اجتماعی، معنادار و قابل اجرا باقی بمانند و صرفاً به قواعد خشک و محدود تبدیل نشوند. برای گسترش تفسیر مقاصدی در فقه معاصر، می‌توان به تدوین چارچوب‌های آموزشی و عملی برای فقها، ایجاد معیارهای اصولی برای تعادل میان نص و مقصد و طراحی روش‌های تحلیلی استاندارد برای استخراج اهداف شریعت از نصوص اشاره کرد. یکی از چالش‌های مهم، حفظ تعادل میان ظاهر نص و مقصد است. در این راستا، توجه به تقدم نص در موارد روشن، استفاده از تحلیل سیاق، مناسبت، روح کلی شریعت و سیره عقلا، و اولویت‌بندی مصالح کلان، می‌تواند از برداشت‌های سلیقه‌ای یا سوءاستفاده‌های مرامی جلوگیری کند و تفسیر را به سطحی علمی، انسانی و عدالت‌محور ارتقا دهد. در نهایت، تفسیر مقاصدی نه تنها ابزاری برای فهم عمیق‌تر قرآن و استنباط احکام است، بلکه راهکاری برای پاسخگویی به چالش‌های فقه معاصر و نیازهای واقعی جامعه اسلامی فراهم می‌آورد. این رویکرد، شریعت را از چارچوب ایستا و محدود خارج کرده و آن را به نظامی زنده، منعطف و متناسب با شرایط انسانی و اجتماعی تبدیل می‌کند، بدون آنکه اصالت و مشروعیت نصوص خدشه‌دار شود. با گسترش و ترویج این روش، می‌توان اجتهاد معاصر را به سمت فهمی متوازن، انسانی و عدالت‌محور هدایت نمود. مع‌الوصف، در راستای تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج زیر حاصل گردید:

۱. پویایی و انعطاف فقه با تفسیر مقاصدی: تفسیر مقاصدی قرآن، با تمرکز بر اهداف کلان شریعت، توانسته است ابزاری کارآمد برای ایجاد پویایی، انعطاف و عدالت در فقه فراهم آورد. این رویکرد امکان خوانش متعادل از نصوص را میسر می‌کند، به گونه‌ای که هم وفاداری به ظاهر آیات حفظ شود و هم اهداف کلی شریعت در تأمین مصالح انسانی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

۲. نقش مکمل و مفسر مقاصد: یافته‌ها نشان می‌دهد که مقاصد الشریعه نه جایگزین نصوص هستند و نه ابزاری برای دور زدن آن‌ها، بلکه به‌عنوان مکمل و مفسر نصوص عمل می‌کنند. این امر امکان سازگاری شریعت با تغییرات زمان و مکان را فراهم می‌آورد و تضمین می‌کند که روح قوانین با حفظ کرامت انسانی و تقویت عدالت اجتماعی دستخوش تحریف نشود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

۳. تبیین اهمیت تاریخی و تطبیقی: بررسی تطور تاریخی نشان داد که فقهای امامیه و اهل سنت، هر چند با تفاوت در شیوه و اولویت‌بندی، اهمیت مقاصد را در فهم احکام درک کرده و تلاش کرده‌اند تشریع احکام را از سطح صرفاً لفظی فراتر ببرند. این یافته نشان‌دهنده همگرایی نسبی در پذیرش ضرورت توجه به اهداف کلان شریعت است.

۴. کاربرد مقاصد در حوزه‌های مختلف فقهی: اهمیت عملی تفسیر مقاصدی در حوزه‌های عبادات، معاملات، احوال شخصیه و مجازات‌ها به وضوح مشاهده می‌شود. مقاصد شریعت احکام را معنادار و قابل اجرا نگه می‌دارند و مانع تبدیل آن‌ها به قواعد خشک و محدود می‌شوند، به گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای واقعی جوامع اسلامی باشند.

۵. چارچوب‌های روش‌شناسی و آموزشی برای گسترش تفسیر مقاصدی: برای توسعه کاربرد تفسیر مقاصدی در فقه معاصر، تدوین چارچوب‌های آموزشی و عملی برای فقها، ایجاد معیارهای اصولی برای تعادل میان نص و مقصد و طراحی روش‌های تحلیلی استاندارد برای استخراج اهداف شریعت ضروری است. این اقدامات، تفسیر مقاصدی را به یک ابزار علمی و کاربردی تبدیل کرده و از برداشت‌های سلیقه‌ای یا سوءاستفاده‌های مرامی جلوگیری می‌کند.

۶. حفظ تعادل میان ظاهر نص و مقصد: یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، حفظ تعادل میان ظاهر نص و مقاصد است. رعایت تقدم نص در موارد روشن، تحلیل سیاق و مناسبت، توجه به روح کلی شریعت و سیره عقلا، و اولویت‌بندی مصالح کلان، می‌تواند از برداشت‌های شخصی و انحراف در تفسیر جلوگیری کرده و تفسیر را به سطحی انسانی، عدالت‌محور و علمی ارتقا دهد.

۷. کارکرد کلی تفسیر مقاصدی در اجتهاد معاصر: تفسیر مقاصدی قرآن نه تنها ابزار فهم عمیق‌تر و استنباط دقیق‌تر احکام است، بلکه راهکاری عملی برای پاسخگویی به چالش‌های فقه معاصر و نیازهای واقعی جامعه اسلامی محسوب می‌شود. این رویکرد شریعت را از چارچوب ایستا و محدود خارج کرده و آن را به نظامی زنده، منعطف و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

متناسب با شرایط انسانی و اجتماعی تبـدیل مـی‌کنـد، بـدون آنکـه اصـالت و مشـروعیت نصوص خدشه‌دار شود.

۸. تأثیر نهایی بر اجتهاد و عدالت اجتماعی: گسترش و ترویج تفسیر مقاصدی می‌تواند اجتهاد معاصر را به سمت فهمی متوازن، انسانی و عدالت‌محور هدایت کند و زمینـه تحقـق مصالح عمومی و تقویت عدالت اجتماعی را فراهم آورد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. بختیاری، محبوبه، نقش مقاصد شریعت در استنباط احکام در فقه امامیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱ش.
۳. جماسی، محسن، بررسی تطبیقی نقش مقاصد شریعت در استنباط احکام در فقه اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز، دانشگاه شهید چمران، ۱۳۹۵ش.
۴. جوینی، عبدالملک بن عبدالله، البرهان فی أصول الفقه، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۰ق.
۵. حاجیان فروشانی، زهره، مظهرقراملکی، علی و امام، سیدمحمدرضا، پویایی فقه از رهگذر مقاصد شریعت با نظری بر آرای امام خمینی(س)، پژوهشنامه متین، سال ۲۲، شماره ۸۶، صص ۳۱-۵۲، ۱۳۹۹.
۶. حاجیان فروشانی، زهره، قراملکی، علی مظهر، و امام، سیدمحمدرضا، بررسی حجیت استقرا در کشف مقاصد شریعت، فقه و مبانی حقوق اسلامی (مقالات و بررسی‌ها)، شماره ۴۷، صص ۹۵-۱۱۷، ۱۳۹۳ش.
۷. حسنی، احمد، تاثیر مقاصد شریعت بر اسناد استنباط، فقه اهل بیت، شماره ۷۴، صص ۳۷-۷۹، ۱۳۹۲ش.
۸. حیدرزاده، علیرضا، بررسی تطبیقی نظریه مقاصد شریعت با اهداف شریعت از منظر تفکر شیعه و اهل سنت، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۲۱، شماره ۷۲، صص ۳۷۱-۳۸۴، ۱۳۹۶ش.
۹. خوانساری، احمد، نقد و بررسی دلیل قرآنی فقه مقاصد الشّریعة عامه، مطالعات اصول فقه امامیه، دوره ۲، شماره ۹۸، صص ۱۱۷-۱۳۹، ۱۳۹۸ش.
۱۰. رحمانی، قدرت‌الله و الفت‌پور، محمدعلی، بررسی سنجه‌های اولویت‌بندی احکام شریعت در نظام مقاصد حکومت اسلامی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۷، شماره ۱۹، صص ۲۵-۴۸، ۱۳۹۷ش.
۱۱. رستمی زهرا، و زینالی معصومه، تحلیل فقهی و حقوقی نظریه مقاصد الشریعه از دیدگاه ابن عاشور و تطبیق آن با حقوق خانواده در ایران، پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، دوره ۲، شماره۲، صص. ۱۴-۲۳، ۱۳۹۹ش.
۱۲. رضایی‌راد، عبدالحسین، بررسی تطبیقی نقش مقاصد شریعت در استنباط احکام در فقه اسلامی، پایانامه کارشناسی ارشد، اهواز، دانشگاه شهید چمران، ۱۳۹۵.
۱۳. زمانی، محمدحسن؛ قمرالدین، قیام الدین، بررسی تطبیقی مقاصد شریعت، نشریه حبل المتین، شماره ۶، صص ۴۷-۶۹، ۱۳۹۳ش.
۱۴. شاطبی، ابواسحاق، الموافقات فی أصول الشریعة، قاهره، دار ابن الجوزی، ۱۹۹۷م.
۱۵. شوشتری، مهدی، ناصری مقدم، حسین و صابری، حسین، مقاصد انسانی شریعت در فقه امامیه. انسان پژوهی دینی، دوره ۱۳، شماره ۳۵، صص ۲۰۵-۲۲۲، ۱۳۹۵.
۱۶. همو، سازوکارهای کشف مقاصد شریعت، پژوهش‌های فقهی، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۱۰، ۱۳۹۵ش.
۱۷. همو، کارکرد مقاصد شریعت در توسعه و تعمیق فقه امامیه، پژوهشنامه امامیه، شماره ۱، صص ۹۹-۱۱۴، ۱۳۹۴ش.
۱۸. شوشتری، مهدی و حیدری خورمیزی، سید محمد، بررسی اعتبار مقاصد شریعت در آثار فقهای امامیه با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، پژوهشنامه امامیه، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۲۳-۱۴۶، ۱۳۹۶ش.
۱۹. صابری، حسین، از مناسبت تا مذاق فقه، راه‌هایی به مقاصد شریعت، مطالعات اسلامی، شماره ۷۱، صص ۱۱۷-۱۴۲، ۱۳۸۵ش.
۲۰. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۹.
۲۱. ضیائی، محمدعادل، تأویل نصوص بر مبنای مقاصد شریعت، دوفصلنامه فقه مقارن، دوره ۱۱، شماره ۲۲، صص ۱۴۹-۱۷۳، ۱۴۰۲ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۲۳. علوی، محمدتقی و میری بالاجورشری، مهشید، مقاصد شریعت و نقش و جایگاه مصلحت در قانونگذاری، آموزه‌های فقه و حقوق جزا، شماره ۳، صص ۶۵-۷۸، ۱۴۰۱ش.
۲۴. علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مقاصد شریعت، فصلنامه فقه اهل بیت فارسی، شماره ۴۱، صص ۱۱۸-۱۵۸، ۱۳۸۸ش.
۲۵. غزالی، ابوحامد، المستصفی من علم الأصول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷م.
۲۶. قاسم‌پور راوندی، محسن؛ بهزادیان، کیومرث، سیر تاریخی مقاصد الشریعه و دستاوردهای تفسیری آن با تأکید بر دیدگاه ابن عاشور، مطالعات تاریخی، شماره ۷۴، صص ۱۱۲-۱۳۵، ۱۴۰۲ش.
۲۷. قماشی، سعید، کرامت انسانی، راهبرد استنباط احکام شریعت، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۴۸، صص ۷۵-۱۰۶، ۱۳۹۴ش.
۲۸. قنادمعتمدی اصفهانی، بتول، و احمدیان، عبدالرسول، درآمدی بر کاربرد مقاصد شریعت از دیدگاه امامیه. تهران: کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش های دینی، ۱۳۹۹ش.
۲۹. کریمی‌نیا، محمد مهدی، روش‌شناسی تفسیر فقهی، قرآن و علم، شماره ۱۱، صص ۷۸-۱۲۲، ۱۳۹۵ش.
۳۰. گرامی‌پور، مهدی و راغبی، محمدعلی، نقش مقاصد الشریعه در استنباط و کارایی اجتهاد. فقه نظام‌ساز، شماره ۴، صص ۵۷-۸۰، ۱۴۰۱ش.
۳۱. گرامی‌پور، مهدی، نقش آیات مبیّن مقاصد شریعت در ارزیابی روایات از دیدگاه مذاهب اسلامی، مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، شماره ۶، صص ۲۷۳-۲۵۲، ۱۴۰۲ش.
۳۲. محصلی، هدایت حسین و نوری، بهادر، ماهیت مقاصد شریعت و نقش آن در استنباط حکم شرعی از دیدگاه فریقین، مطالعات تطبیقی کلام، شماره ۱۰، صص ۱۰۷-۱۳۶، ۱۳۹۹ش.
۳۳. محمدی، جلال، مقاصدالشریعه و جایگاه آن در شریعت با نگاه تطبیقی، حبل المتین، شماره ۱۲، صص ۷-۳۹، ۱۳۹۴ش.
۳۴. نصیری، مجید، بررسی کارکرد مقاصد فقه سیاسی قرآن کریم از منظر شیخ محمدحسن نجفی، رساله دکتری تخصصی، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۵ش.
۳۵. نقیبی، سیدابوالقاسم، مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی، پژوهش‌های فقهی، شماره ۱۳، ۲۲۳-۲۴۲، ۱۳۹۶ش.
۳۶. وکیل‌زاده، رحیم، مقاصد شریعت از دیدگاه شیخ محمد جواد مغنیه. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، شماره ۱۶، صص ۱۳۹-۱۵۶، ۱۳۸۸ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]